

برای همه

و مددگیری اصل

www.ketab.ir

انتشارات نوید شیراز

سرشناسه	: دلیری اصل، محمد، ۱۳۴۰
عنوان و نام پدیدآور	: برای همه/ محمد دلیری اصل
مشخصات نشر	: شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: ۵۷۶ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۳۹۷-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: جهانی شدن
موضوع	: جهانی شدن -- جنبه‌های سیاسی
رده بندی کنگره	: ۱۲۹۳ ف ۴ / ۵۸ / ۱۳۱۸ JZ
رده بندی دیویی	: ۱۷/۳۲۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۳۲۹۷۳



برای همه

محمد دلیری اصل

صفحه آرای: نجمه اسکندری | طرح جلد: مهدی دلیری اصل | طراحی و چاپ: واصف

تیراز: ۱۲۰۰ جلد □ چاپ اول: ۱۳۹۳ □ حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز - تلفن ۲۲۲۶۶۶۱-۶۲ نمابر ۲۲۲۹۶۷۶-۰۷۱۱ □ ص.پ: ۶۰۰-۷۱۱

دفتر تهران - تلفن ۸۸۹۰۵۹۴۵ نمابر ۸۸۹۲۱۵۲۲-۰۲۱

پست الکترونیکی: info@navideshiraz.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۳۹۷-۵ ISBN: 978-600-192-397-5

۲۸/۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

مقدمه	۹
فصل یکم / چرا برای همه؟	۱۳
فصل دوم / سیستم‌های حکومتی	۱۰۳
فصل سوم / مرزندی و تعیین قلمرو	۱۶۷
فصل چهارم / ارتش و سلاح	۱۹۱
فصل پنجم / انحصاری شدن منابع و معادن طبیعی خدادادی	۴۳۵
فصل ششم / فقدان سازمان یا نهاد یا سیستمی ناظر و نظم دهنده‌ی منظم، مستقیم	۴۹۷
کارآمد و فصل الخطاب جهانی	۴۹۷
فصل هفتم / جهانی اندیشیدن و جهانی شدن و زیستن در یک کشور فدرال یا نیمه فدرال جهانی فارغ از هرگونه نظامی گری، مرزندی و انحصار طلبی	۵۲۳

مقدمه

به نام عالی‌زیبایی‌ها

در اقران ماضی اوضاع پیام‌رسانی به گونه‌ای بود که شناخت مردم در مورد عقیده‌ها، مکان‌ها، زمان‌ها و درد و رنج هم نوعان بسیار اندک و جگونی استی و ناراستی، حقیقی و غیر حقیقی خبرها در ابهام و سؤال بود. بنابراین مردم از عقید و عملکرد مناطق دورتر و حتی همسایگان‌شان و گویندگان سایر زبان‌ها اطلاعاتی نداشتند. این بی‌سببی و عدم اطلاع و آگاهی امواجی از شایعات، کینه ورزی‌ها، بدبینی‌ها و دشمنی‌ها را به حرکت می‌آورد و بر همین اساس جنگ‌ها و اختلافات کورکورانه، بی‌هوده و بی پایه و اساسی، دامنگیر می‌شد. لذا در این اقیانوس جهل و نا آگاهی هر گروه و قشری خود و محدوده‌ی اندک‌تر، پذیرفته‌تر و شایسته‌تر می‌انگاشت و دیگران را به وحشیگری و نادانی و جهالت متهم می‌کرد. حتی وحشی‌ترین و خونریزترین رومی‌ها دیگر ملل را بربر (به معنای وحشی) اعراب، فارسی زبانان را عجم (به معنای گنگ و نامفهوم) می‌دانستند! قاصدان و نامه‌بران با تحمل زحمات فراوان توسط اسب‌ها و شترهای تندرو با پشت سر نهادن موانع و مشکلات، پیام‌های کوتاه و ناقصی را به صورت نوشتاری که حتی نوشتار آن با دیگری مغایرت داشت و نیازمند مترجم بود، یا گفتاری که صرفاً بخشی از اهداف و اندیشه‌های فرستنده را در خود گنجانده بود، می‌رساندند.

گاهی نیز پیام‌رسان یا جان خود را در این راه از دست می‌داد و یا از فرط خستگی و نارضایتی پیام را به مقصد نمی‌رساند و یا پیام‌های مهم و محرمانه‌ی نظامی به سرقت می‌رفت و یا خرید و فروش می‌شد. پیام‌رسانی شکل‌های مختلفی داشت. گاه به وسیله "نی یا چوب" بود که در آب انداخته می‌شد تا به مقصد برسد. گاهی نیز به ویژه در جنگ‌ها یا تیر پرتاب می‌شد. یا توسط علائم قراردادی بود که بیشتر در دریاها استفاده می‌شد. مانند آینه و فانوس و... یا دود توسط دودام سرخپوست.

اما جهان امروزی که از آن به عصر ارتباطات یاد می‌شود، وسایل ارتباط جمعی از روز به روز به سرعت گسترش یافته تا رادیو و تلویزیون و شبکه جهانی اینترنت با انتقال اطلاعات و معلومات و وسایل افکار و عقاید عمومی در کمترین زمان، که نقش به سزایی در راه پیشرفت فرهنگ تمدن به عین ایفا می‌کند، انسان‌ها را به یکدیگر نزدیک کرده و زندگی آن‌ها را به هم گره زده است. هر چه نزدیکی موجب می‌شود تا انسان‌ها بیش از پیش به سوی آگاهی از شیوه زندگی عمیق‌تر اوضاع و احوال دیگران روی آورند. بر همین پایه، تجمع و وفور اجتماعات انسانی به شکل شهرهای بزرگ، وابستگی و همبستگی بین‌المللی، تحولات نظام‌های سیاسی و اقتصادی، بحران‌های کنونی، دگرگونی زندگی اجتماعی، زدودن سنت‌های فرسوده و کهن به سوی آگاهی و بیداری وجدان عمومی، جنگی از عواملی هستند که انسان‌ها را به سمت و سوی تغییرات عظیمی حاد و وقایع زندگی سوق می‌دهند. از همین روی آگاهی از آداب و سنن و شعور و تفکر، درد و رنج و ننداری، خوشی و ناخوشی هم‌نوعان دور و نزدیک از ویژگی‌های انسان‌ها را به شمار می‌رود. همین آگاهی است که انسان را به امید در زندگی و زندگی جمعی علاقه می‌سازد و توجه او را به غیر و آزادی و وظائف و مسئولیت‌هایی که برعهده‌ی او است، می‌کشد. در عصر کنونی ما انسان‌ها به برکت تکنولوژی و فناوری‌های جدید یکدیگر را می‌بینیم و با هم در ارتباطیم. از درد و رنج و شادی‌ها و احوالات یکدیگر باخبریم. هر کدام از ما به بهروزی و شادکامی و درد و رنج دیگری وابسته شده‌ایم. چرا که ما انسانیم و همه به هم وابسته و سرنوشت هر کدام از ما بر دیگری تأثیر گذار. هر کدام از ما برای موجودات زنده، حیوانات و نباتات، محیط زیست، آب و هوا و خاک حرمت قائلیم؛ چه رسد به هم‌نوع که در اصل حرمت



به خویش است.

در مجموع ما موجوداتی اجتماعی هستیم و انفرادی زیستن برای ما از محالات شده و از انزوا و تنهایی بیزاریم. چرا که انزوا و گوشه‌گیری و تنهایی و عدم ارتباط با دیگران نوعی بیماری روانی محسوب، که سرچشمه بسیاری از اعمال غیر انسانی اخلاقی، در نهایت به پوچی و بی‌هدفی منتهی می‌شود.

به همین لحاظ جهت نگارنده همچون دیگران به یاری ارتباطات، هم‌نوعان را رصد و درد و رنج جانکاه آنان را با تمام درد احساس و صرفاً با بغض در گلو با آنان احساس همدردی می‌کند. زمانی که انسانی که برتری از فقر و گرسنگی با مرگ همنشین شده و در مقابل گروهی قلیلی با پایمال کردن حق آنان غلبه داشته شده‌اند؛ مرزبندی‌ها که دوستی‌ها را به دشمنی تبدیل کرده؛ وقتی تکه تکه شدن انسان در وسط عده‌ای کور دل افراطی انتحار کننده و بمب گذار، نابودی محیط زیست (سیاره زمین) را در اثر جهالت یا سهل‌انگاری یا خودخواهی گروهی، بی بند و باری بعضی از سران دُول که با بی‌مسئولیتاریستی خود را رهبران بلامنازع جهان می‌دانند و خودسرانه و خود رأی به بهانه‌های مختلف به دیگر ملت‌ها حمله و هزاران انسان بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشند، روی آوردن کشورها به تسلیحات نظامی و هزینه کردن اموال ملت در این راه، در حالی که ملت در فقر و محرومی می‌پرند؛ و هزاران درد و رنج دیگر که مهر تأییدی بر اظهارات روسو می‌باشد را می‌بیند؛ پس چرا باید مسئولیت و وظیفه‌ی اخلاقی انسانی و عواطف و احساسات بشری، نمی‌تواند به مانند جمادات احساس و بی‌تفاوت و صرفاً نظاره‌گر باشد. چرا که به دور از عقلانیت و انسانیت است که با بی‌تفاوتی در کنار سکوت، احساسات و عواطف درونی را سرکوب و آن را نادیده گرفت.

وگر بینم که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینم گناه است

به همین جهت این اثر می‌کوشد تا در خلال ویرانه‌های اعمال و رفتار و اخلاقیات بشری از دوران کهن تا عصر جدید، به جستجو پرداخته و واقع بینانه، واقعیات و حقایق را معرفی و با این استدلال که "حقیقت را باید پذیرفت گرچه تلخ باشد" با زدودن غریفات غیر اخلاقی و

کهنه پرستی و ارتجاعی که موجب خروج و سقوط انسانیت از مسیر اصلی یعنی آدمیت می‌شود و با طرح این سؤالات که چرا ما انسان‌ها خود را محدود و محبوس نموده و آزادی را از خود سلب کرده‌ایم؟ در صورتی که ذات انسان از قیود گریزان است. چرا اموال خود را در راه جمع آوری وسایل و ابزار آلتی که ارزشی جز کشتن و خانه خرابی ندارد هزینه می‌کنیم؟ در حالی که خود در فقر به سر برده و ذات بشری از جنگ و خونریزی و دشمنی بیزار است. چرا نعمات خدا بی‌ی را در انحصار خود گرفته و دیگر بندگان خداوند را از آن محروم می‌سازیم؟ در حالی که انسان بالفطره از نابرابری و بی‌عدالتی متنفر است. چرا پیشرفت‌های علمی را به شکاف‌های عمیق در جوامع تبدیل کرده و بسترهای لازم را برای نگرانی، اضطراب و دلوایی خود فراهم کرده و جوامع را در حال توسعه را به بازار معاملات و معادلات نظامی کشورهای توسعه یافته بدل کرده و باعث شده‌ایم تمام‌های طبقاتی و فقر حداکثری در جوار و همسایگی ثروت انبوه و متراکم در اختیار حاکمان قرار گیرد...؟ راهی را بیابد که سرانجام آن به انسانیت حقیقی انسان و به معنای آدمیت و سعادت، منتهی شود و یکی اندیشیدن و جهانی شدن ختم شود. چرا که "جهان برای همه است."

چون این اثر قصد تاریخ‌نگاری و نگارنده نیست مورخی را نداشته و صرفاً در حد انتقال منظور به مخاطب به شرح اندکی از وقایع پرداخته و بدین‌چنانچه خوانندگان فهیم قصد آگاهی از شرح کامل اتفاقات و وقایع ذکر شده را دارند، می‌توانند به منابع نام برده شده و یا با ارائه‌ی چند کلید واژه به سایت‌های معتبر شبکه جهانی اینترنت رجوع یا موضوع، مراجعه و آن را مطالعه نمایند. تا هم مطالب خسته کننده نباشد و هم رسالتی را بر عهده‌ی این گونه آثار است، یعنی زدن جرقه‌ای برای علاقه‌مند کردن خوانندگان به مطالعه و آشنایی با این گونه آثار تاریخ جنگ‌ها و عواقب سوء آن بر ملت‌ها، محقق شده باشد.